

تاثیر درمان شناختی- رفتاری در کاهش میزان افسردگی مبتلایان به سوء مصرف مواد

دکتر طاهره ثقه الاسلام^۱، دکتر امیدوار رضایی^۲، دکتر کبری عقیقی^۳

چکیده

زمینه و هدف: وابستگی به مواد یا اعتیاد یک اختلال روانی است. این واژه که در تقسیم‌بندی‌های روان پزشکی سوء مصرف مواد تعریف شده است دومین اختلال شایع روانی است و افسردگی نیز از اختلالاتی است که در بین مبتلایان به سوء مصرف مواد دیده می‌شود. هدف از انجام این پژوهش ارزیابی اثربخشی درمان شناختی- رفتاری افسردگی در بیماران مبتلا به سوء مصرف مواد

روش کار: این پژوهش بطور تجربی انجام گرفت و طی آن ۲۸ بیمار زن و مرد مبتلا به سوء مصرف مواد بر اساس معیارهای تشخیصی DSM IV انتخاب شدند. افراد منتخب به مدت دو سال بطور مستمر تحت درمان دارویی بودند اما کنترل مناسب نداشتند. این افراد به دو گروه تقسیم شدند و طی مدت ۶ هفته ضمن مصرف دارو تحت درمان روان شناختی قرار گرفتند. گروه اول تحت درمان شناختی- رفتاری قرار گرفتند (گروه تجربی) و گروه دوم هیچگونه درمان روان شناختی دریافت نکردند (گروه مقایسه). ابزار بکار رفته نخست پرسشنامه ثبت اطلاعات دموگرافیک بود، سپس جهت ارزیابی افسردگی از آزمون بک استفاده شد.

نتیجه‌ها: با روش اندازه‌گیری مکرر شامل یک پیش آزمون و دو پس آزمون یافته‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. در پیش آزمون براساس آزمون بک نمرات هر دو گروه بیانگر افسردگی شدید بود. در گروه تجربی در پس آزمون دوم و سوم نمرات به صورت مدار کاهش یافت. با انجام آزمون درون گروهی و بین گروهی تغییر معنی دار نمرات به اختلاف‌های درون گروهی ارتباط داشت.

نتیجه‌گیری: درمان شناختی رفتاری نقش پراهمیتی در کاهش میزان افسردگی بین بیماران مبتلا به سوء مصرف مواد داشت. مداخله روان‌شناختی توانست از طریق کاهش افسردگی، شناخت بیماران را تغییر دهد و آنها را قادر سازد که عقیده مثبت‌تری در کنترل خودشان پیدا کنند. بنظر می‌رسد رویکرد تیمی روان‌شناسی از لحاظ نظری و عملی در زمینه تدابیر کنترلی و درمان افسردگی در بیماران مبتلا به سوء مصرف مواد می‌تواند بر کیفیت و سبک زندگی، روابط فردی، و اجتماعی آنها تأثیر عمیق داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: افسردگی، سوء مصرف مواد، اعتیاد، درمان شناختی- رفتاری

۱- مؤلف مسئول: استادیار روان‌شناسی- دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲- استاد جراح مغز و اعصاب- دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۳- استاد یار بیپوشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

وابستگی به مواد یک اختلال روانی است. این واژه که در تقسیم بندی های روان پزشکی سوء مصرف مواد تعریف شده است دومین اختلال شایع روانی است [۱] و افسردگی از اختلال هایی است که در بین مبتلایان به سوء مصرف مواد دیده می شود. حدود % ۱۵ سوء مصرف یا وابستگی به الکل دارند زمانی در طول عمر خود واجد ملاک های تشخیص اختلال افسردگی اساسی بوده اند [۲]. احتمال خودکشی موفق نیز بین مبتلایان به سوء مصرف مواد تقریباً ۲۰ برابر بیشتر از کل جمعیت است و حدود ۱۵٪ افراد مبتلا به سوء مصرف یا وابستگی به الکل اقدام به خودکشی می کنند [۲]. مطالعات اسکاگیت در آمریکا از سال ۱۹۹۴ نشان داد افرادی که در خانواده زمینه سوء مصرف مواد دارند یا یکی از والدینشان مبتلا هستند خصوصاً در سنین نوجوانی و جوانی که فرد در بحران روانی است گرایش بیشتری به سوء مصرف مواد دارند [۳].

در ایران پژوهش‌ها تا سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهند که سالانه مقادیر زیادی مواد مخدر غیرقانونی در ایران مصرف می‌شود. از ۶ میلیون مصرف کننده مواد مخدر یک میلیون و دویست هزار نفر اعتیاد حاد و جدی دارند. میانگین سن اکثر مصرف کنندگان بین ۱۶ تا ۲۰ سال است. ۶۹٪ زندانیان ایران به دلیل اتهامات مرتبط با مواد مخدر در زندان به سر می‌برند [۴]. در مطالعه افقه و همکاران ۴/۴۲٪ از افراد مبتلا به سوء مصرف مواد قبل از گرایش به مواد دچار نوعی افسردگی بوده‌اند و ۱۲٪ پس از گرایش به مواد دچار افسردگی شده‌اند [۵]. مطالعه ای از مرکز ترک اعتیاد در تهران گزارش کرده است که در بین مراجعه کنندگان ۲٪ سابقه خودکشی وجود داشته ؛ بیش از ۱٪ از افسردگی رنج می‌د [۶]. در مطالعه ای برب گروهی از بیماران خود معرف را با درمان شناختی- مذهبی و

درمان شناختی تنها مورد بررسی قرار داد. نتایج گروه تجربی و شناختی- مذهبی بطور معنادار موجب کاهش افسردگی و درمان شناختی تنها نیز بطور معنادار موجب کاهش اضطراب شد [۷].

لارسون^۱ و همکاران در زمینه درمان، کاربرد روش مکتب روانکاو را پیشنهاد می‌ند. به این دلیل که تحلیل وابستگی فقط از دیدگاه فوق قابل تبیین است [۸]. از آنجا که اطلاعات اندکی در مورد نتایج مداخلات روان شناختی بویژه شناخت درمانی بر علایم روان پزشکی در افراد بزرگسال مبتلا به سوء مصرف مواد در ایران وجود دارد، این بررسی روی بزرگسالان مبتلا به سوء مصرف مواد در شهر تهران صورت گرفت و پژوهشگران به دنبال پاسخ به این سؤال بودند، که آیا مداخلات روانی و انواع روان درمانی دارای کارایی و کفایت لازم جهت کاهش افسردگی در بین مبتلایان به سوء مصرف مواد ؟ و چه عواملی در کاهش افسردگی این بیماران تأثیر دارد؟

مواد و روش

ژوهش حاضر به صورت مداخله‌ای از تیرماه تا اردیبهشت ۱۱، بر روی ۲ نفر از بیماران مبتلا به سوء مصرف مواد انجام گرفت. این بیماران مشخصات و ویژگی‌های تعریف شده برای سوء مصرف مواد را طبق معیارهای DSM IV دارا بودند [۹].

برای نمونه‌گیری، همه بیماران مراجعه کننده به کلینیک ویژه بیمارستان لقمان حکیم در نظر گرفته شدند و براساس شماره‌گذاری زوج و فرد به دو گروه تجربی و مقایسه تقسیم شدند. در هر گروه بدون در نظر گرفتن جنسیت قرار فتنند، زیرا تعداد مردان بیشتر از زنان بود، با توجه به عدم مراجعه دو نفر، ۲۸ نفر در دو گروه پیگیری شدند.

دارند. نتایج نشان داد که نمرات افسردگی در میزان یک در هر مرحله آزمایش کاهش نشان می‌دهد این χ^2 در دو گروه تجربی و مقایسه معنادار است. سطح معناداری به علت تفاوت‌های دو گروه نیست بلکه در تفاوت‌های درون گروهی و مربوط به نمونه .

جدول شماره ۴. اثرات بین گروهی در سه مرحله ارزشیابی بین دو گروه تجربی و مقایسه

منبع تغییرات	SS	df	MS	F	Sig
اثر متقابل	/	/	/	/	/
گروه	/	/	/	/	/

مطالعه حاضر نشان داد، میزان افسردگی در بین افراد مبتلا به سوء مصرف مواد با مداخلات روان‌شناختی مانند شناخت درمانی . بررسی میانگین دو گروه در پیش آزمون نشان داد، گروه تجربی و مقایسه به ترتیب / و / ۲۱ و هر دو گروه دارای افسردگی در حد شدید می‌باشند. این یافته در توافق با یافته‌های پژوهشگران بود، زیرا افقه و همکاران این افسردگی را در حد / % ذکر کرده اند [۵] و مطالعات دیگر نشان دادند حدود ۴۰٪ کسانی که سوء مصرف یا وابستگی الکلی دارند زمانی واجد ملاک های تشخیصی اختلال افسردگی اساسی (افسردگی شدید) بوده اند [] .

بررسی تغییرات میانگین‌ها در سه مرحله ارزیابی در گروه تجربی و نایسه مؤید این نظریه است که شناخت درمانی موجب کاهش علایم افسردگی طی مراحل درمان می‌شود. این یافته برخلاف یافته های لارسون می‌باشد که پیشنهاد کرد، تنها درمان‌های مبتنی بر روان درمانی تحلیلی می‌تواند وابستگی را تبیین [] .

/ /
/ /

در جدول شماره (۲) آزمون چند متغیری واریانس های چندگانه بررسی شده است که نشان می‌دهد در آزمون‌های مختلف کاهش و تفاوت در میزان افسردگی وجود دارد و تغییرات معنی‌دار می ($p < /$) .

جدول شماره ۲. آزمون چند متغیری اثر تعامل درمان، درمان و گروه

اثر	Value	F	df	Sig
درمان				
Pillai's-Trace	/	/	/	...
Wilk's Lambda	/	/	/	...
Hotelling's Trace	/	/	/	...
Rox's Largest Root	/	/	/	...
درمان و گروه				
Pillai's-Trace	/	/	/	/
Wilk's Lambda	/	/	/	/
Hotelling's Trace	/	/	/	/
Rox's Largest Root	/	/	/	./001

جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که کاهش نمرات و تفاوت نمرات گروه تجربی و مقایسه در درون آزمودنی‌ها یعنی در اثرات درون گروهی معنی‌دار است.

جدول شماره ۳. اثرات درون گروهی را در سه مرحله ارزشیابی

منبع تغییرات	SS	df	MS	F	Sig
درمان					
Linear	/	/	/	/	/
Quadratic	/	/	/	/	/
درمان و گروه					
Linear	/	/	/	/	.
Quadratic	/	/	/	/	/

جدول شماره (۴) نشان می‌دهد علت تفاوت نمرات و کاهش آنها در گروه تجربی و مقایسه دار نیست و گروه تجربی و مقایسه اندک تفاوت غیر دار χ^2 دار

تغییر می‌یابد، زیرا در بیماران مبتلا به سوء مصرف مواد با درجه بالای افسردگی، حداقل انگیزش مثبت و حداکثر انگیزش منفی وجود دارد. در نتیجه در یک ساختار درمانی بیماران به درمان می‌دهند، یعنی افسردگی در یک فرایند انفرادی، آگاهی و شناخت بیماران را افزایش می‌دهد [۱].

نتایج این پژوهش نشان داد که درمان‌های شناختی- رفتاری در کاهش علایم روان پزشکی مانند افسردگی در مبتلایان به سوء مصرف مواد احتمالاً دارای نتایج ارزشمندی است. زیرا بتدریج که افسردگی کاهش و شناخت بیماران تغییر می‌یابد، بیماران، راه‌های مقابله با حوادث زندگی و استرس را فرا می [۱]. اما استراتژی‌های بکار رفته از مداخله روان عوامل فرهنگی، خانوادگی، اعتقادی، تعداد نمونه و دیگر عوامل بستگی دارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند، از زحمات پرسنل درمانگاه مرکز پزشکی لقمان حکیم تشکر

1- Kaplan HI, Sadock BJ. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder. Baltimore: William and Wilkins, 1994.

۲- کاپلان سادوک. خلاصه روانپ: ه: رفیعی حسن، رضایی فرزین، سمیعی مرسله. جلد اول، تهران، انتشارات سالمی سال ۱۳۱، صفحات

3-Sarafino Edward P. Health Psychology John Wiley. 4th ed. New York: W.B Saunders, 1994: 228-9.

- محمودی ریم، آراسته حمید رضا پیشگیری سوء استفاده از مواد مخدر در بین دانشجویان، رویکرد

برب در گروهی از بیماران خود معرف به سوء مصرف مواد، روش درمانی شناختی- مذهبی را بکار برد و در پایان یافته‌ها نشان داد که روش فوق بطور معنی دار موجب کاهش علایم افسردگی می‌گردد [۷]. این نتایج در تایید یافته‌های پژوهش فوق است. در تحلیل یافته‌های آماری پژوهش بر تغییرات مثبتی بر وجود دو گروه تجربی و شد و یافته های مطالعه حاضر نشان داد تغییرات درون گروهی موجب تغییرات معنادار میانگین‌ها در مراحل مختلف ست. در جدول شماره (۴) به این سؤال پاسخ داده شد که اثرات بین دو گروه در تغییر نمرات اثر معنادار ندارد بلکه به تغییرات درون گروه باز می‌گردد.

این نکته ضروری است که ویژگی‌های فردی مورد توجه قرار گرفت. هرچند از نظر سن و هوش هر دو گروه یکسان بودند اما عوامل فردی در پژوهش نقش ده‌ای دانسته‌اند. در این راستا پژوهش‌های اسکاکیت (۱۹۹۱-) که اعتقاد داشت افرادی که از نظر خانوادگی دارای زمینه مثبت ابتلا به سوء مصرف مواد هستند، در سنین جوانی و نوجوانی گرایش به مصرف مواد بیشتری دارند، که نقش علایم روان مانند افسردگی را نباید نادیده گرفت [۱].

چند ممکن است نتوان یافته‌های این پژوهش را همسو با نتایج سایر پژوهش‌ها دانست اما کاهش میزان افسردگی نشان داد که درمان شناختی- رفتاری تأثیر مثبتی بر روی بیماران دارد. اعتقاد بر این است نوع برنامه رفتاری- مار آموخته می‌شود از طریق تفکر احساس و عملکرد خود آگاه شده و این همان اقدام مقابله ر است [۱].

زیرا در درمان‌های شناختی- رفتاری درمان‌گر در یک چارچوب نا ماهنگ شناختی به سوی یک نظم همه کند و اجباراً از شیوه‌های رفتاری مانند توجه برگردانی و مسئله گشایی سود وید. البته از دیدگاه شناختی هیجانات بیمار از جمله انگیزش

جامع، خلاصه مقالات همایش سراسری اعتیاد چالش‌ها و درمان زنجان، آبان

۵- افقه سوسن، خلیلیان علیرضا. بررسی عوامل مرتبط با اعتیاد به مواد افیونی در استان مازندران. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی مازندران، سال ۱۳۷۲، سال ششم، شماره ۱۲، صفحات

۶- افقه طاهری حمید رضا، سمیعی مرصده. بررسی علل و عوامل شروع اعتیاد در سنین کودکی و نوجوانی خلاصه مقالات سومین سمینار سراسری اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان زنجان، مهرماه

- رب مصطفی. تأثیر گروه درمانی شناختی در کاهش افسردگی، اضطراب و میزان عود معتاد خود معرف، خلاصه مقالات همایش سراسری اعتیاد و چالش‌ها و درمان زنجان، آبان

8- Larsson S, Lilja J, Borg S, Buscema M, Hamilton D. Toward an integrative approach in the analysis of dependency problems. *Subst Use Misuse*. 2001 Jul-Aug; 36(9-10): 132-56.

9- Beck Aaron T. *Depression*. 3rd ed. Philadelphia: University of Pennsylvania Press 1967: 258-26.

10- Goldstein L, Cull C. *The Clinical Handbook of Epilepsy*. First ed London: Routledge, 1997: 516-30.

- هاوتون کرک سالکوویس. رفتار درمانی شناختی مزاده ... و ۲، چاپ اول، تهران،

انتشارات ارجمند،

12- Doheward BP. *Adversity Stress and Psychopathology*. Oxford: Oxford University Press, 1998: 380-1.